



## باسمه تعالی

### شخصیت محوری (ششم)

قصه گفتن برای کودکان را از چه زمانی باید آغاز کنیم؟

برخی گمان می‌کنند که قصه را باید از زمانی برای کودک تعریف کرد که به صورت کامل متوجه معانی واژه‌ها و جمله‌ها بشود؛ در حالی که کودک پیش از این که معانی واژه‌ها را به صورت کامل بفهمد، می‌تواند معانی حالات مختلف چهره و حرکات دست و بدن ما را بفهمد؛ یعنی او پیش از زبان واژه‌ها، زبان اندام را یاد می‌گیرد.

لازم نیست از همان ابتدایی که ما برای کودکمان قصه تعریف می‌کنیم، تمام واژه‌ها و جمله‌های قصه را بفهمد. اگر به نکاتی که در چگونگی قصه‌گویی خواهیم گفت، توجه کنید، کودک با فهم ناقص از عبارات قصه هم می‌تواند از شنیدن قصه لذت ببرد.

البته ممکن است در این جا سؤالی پیش بیاید و آن این که: وقتی کودک جمله‌های قصه را به صورت کامل نمی‌فهمد، شنیدن قصه برای او چه فایده‌ای دارد؟

تعریف قصه در این برهه از سن کودک چند فایده دارد:

الف) تعریف قصه، نیازمند توجه کافی به کودک می‌باشد. وقتی کودک می‌بیند که قصه چه اندازه پدر یا مادر را متوجه او کرده، علاقه او به قصه زیاد می‌شود؛ زیرا کودک هر چیزی که پدر و مادر را متوجه او کند، دوست دارد. در



ضمن رابطه عاطفی کودک با پدر و مادر هم زیاد می شود. بچه ها والدینی را که توجه ویژه به آنان می کنند، به شدت دوست دارند. همه شما هم می دانید که محبت در تربیت تا چه اندازه مؤثر است و ما در این باره به صورت مفصل در جلد دوم «من دیگر ما» بحث کرده ایم.

ب) ما در آینده خواهیم گفت که ابتدا قصه های مختلف یکی از اهل بیت علیهم السلام را بگویید و پس از آن آرام آرام شخصیت های دیگر را حول محور شخصیت اول به کودک معرفی کنید. تکرار مداوم نام این شخصیت، در تثبیت او در ذهن کودک نقش ویژه ای دارد. کودک می فهمد فردی که بهانه توجه والدین به او می شود همین کسی است که نام او به صورت مکرر در قصه می آید. به همین دلیل هم حس خوبی به او پیدا می کند.

ج) انتقال حسی که ما به یک شخص یا یک چیز داریم، بیش از آن که صرفاً با واژه ها انجام بگیرد، به کمک حس و حالتی انجام می گیرد که ما به هنگام ادای واژه مربوط به آن چیز یا آن شخص به فرد مقابلمان منتقل می کنیم.

فرض کنید شما می خواهید به یک فرد بگویید که دوستش دارید؛ آن هم با این جمله: «من تو رو از ته دلم خیلی خیلی دوست دارم».

یک بار این جمله را بدون هیچ حسی، مثل فردی که می خواهد اخبار بگوید بگوید. در این مرحله نه به لحن بیانتان و نه به چهره تان حالت خاصی ندهید. فکر می کنید تا چه اندازه حس شما می تواند به فرد مقابل منتقل شود؟



حالا عین همین جمله را در حالی بگویید که لحن بیانتان نشان از محبت شما داشته و چهره شما هم گویای حسی است که در دلتان به فرد مقابل دارید.

ما در شیوه قصه گویی دوباره این مطالب را باید تکرار کنیم؛ اما این مسأله را برای بیان نکته‌ای قابل توجه در این جا بیان کردیم.

بچه‌ها در کودکی حتی وقتی که زبان باز نکرده‌اند، نسبت به کسانی که پدر و مادر به آنها علاقمند هستند، احساس خوبی دارند.

پدر و مادر در هنگام آوردن نام شخصیت محوری، حتماً حرکات چهره خود را طوری باید تنظیم کنند که نشان دهنده حالات مثبت باشد؛ حالاتی مثل خوشحالی، افتخار، محبت و ...

شما با این حرکات در هنگام ادای نام شخصیت محوری می‌توانید حس خوب خودتان را به کودک منتقل کنید و او با درک این حس نسبت به شخصیت محوری علاقه ویژه و متفاوتی پیدا می‌کند. این یکی دیگر از فواید بیان قصه در این مقطع است.

د) تعریف قصه موجب می‌شود کودک برای فهمیدن ربط میان واژه‌ها با یکدیگر و رابطه واژه‌ها با حرکات دست و صورت شما، تلاش کند. این تلاش، قدرت تکلم، دقت و فهم او از عبارات را به شدت بالا می‌برد.

ه) بچه‌ها پیش از این که معانی واژه‌ها را بفهمند، می‌توانند با رسانه‌های دیداری؛ مثل تلویزیون ارتباط برقرار کنند. در مرحله اول توصیه ما به همه والدین این است که حتی المقدور، میان کودکان و تلویزیون فاصله ایجاد



کنند. ما بحث‌های مفصلی در این زمینه داشته‌ایم که در جلد پنجم از مجموعه «من دیگر ما» گفته‌ایم؛ اما تعریف قصه با شیوه‌ای که در آینده خواهیم گفت، موجب می‌شود تا اندازه زیادی از عطش کاذب کودک نسبت به تماشای رسانه‌های دیداری کاسته شود.

و) این یک قاعده است که: «در هنگام نیاز، خلاقیت‌ها فرصت بروز پیدا می‌کنند». شما برای این که بتوانید قصه جذابی تعریف کنید، باید بتوانید زبان چهره خود را فعال کنید. بسیاری از والدین، خلاقیت خودشان را در این عرصه آزمایش نمی‌کنند؛ زیرا قصه‌گویی را وقتی آغاز کرده‌اند که کودک توان فهم واژه‌ها را دارد؛ در نتیجه احساس نیاز والدین به فعال کردن خلاقانه زبان چهره کم شده و حتی از بین می‌رود؛ اما وقتی شما برای کودکی قصه تعریف می‌کنید که مثلاً نمی‌داند معنی واژه خندیدن، گریه کردن، اخم کردن و... چیست، مجبورید که این واژه‌ها را همراه ادا کردن، بازی کنید. این اجبار به اندازه قابل توجهی در یادگیری زبان چهره مؤثر است.

یادتان باشد که زبان کودکان قبل از این که زبان واژه‌ها باشد، زبان اندام است. پیش از واژه‌ها این دست، چشم، لب، ابرو، سرو حتی کل بدن ماست که با کودکان می‌تواند حرف بزند و حتما می‌دانید که یکی از اصلی‌ترین راه‌های یادگیری زبان، گفتگو با اهل آن زبان است. پس با بچه‌ها با زبان خودشان (زبان اندام) حرف بزنید، تا زبانشان را یاد بگیرد.